

دخالت دستگاه قانونگذار در تعیین نرخ سود

گفتگو با دکتر اکبر کرباسیان

آشاره

بهره‌مند شدن از دانش و تجربه صاحب‌نظران و کارشناسان اقتصاد و بانکداری، برای همه، به‌ویژه برای مخاطبان مجله بانک و اقتصاد مفید و غنیمت است. با این اعتقاد و در راستای رسالت مطبوعاتی خود بر آن شدیم تا گفتگویی با دکتر اکبر کرباسیان عضو هیات علمی موسسه عالی بانکداری ایران داشته باشیم که خوشبختانه این امکان فراهم شد و امیدواریم که این گفتگو فتح بابی باشد برای گفت و شنودهای بعدی.

❖ / جناب دکتر کرباسیان، ضمن تشکر به خاطر شرکت در این مصاحبه، ابتدا بفرمایید که تصویب طرح کاهش نرخ سود بانکی از سوی مجلس شورای اسلامی تا چه حد دارای توجیه علمی است و چه تغییراتی را در حوزه وظایف بانک مرکزی ایجاد می‌کند؟

□ دخالت دستگاه قانونگذار در تعیین نرخ سود، یک کار من‌درآوردی است. در هیچ کجای دنیا مجلس یا کنگره در کارهایی مثل تعیین نرخ سود بانکی و... دخالت نمی‌کنند. این کار، وظیفه بانک مرکزی است. در واقع، وظایف متعددی که مربوط به حفظ قدرت خرید پول، به جریان‌انداختن پول و حفظ ارزش پول می‌باشند، به بانک مرکزی مربوط است. قانونگذار می‌تواند روی مال مردم قیمت‌گذاری کند، ولی نباید این کار را بکند. پول متعلق به مردم است، واقعاً اگر مجلس دلش برای مردم سوخته، از وزیر دارایی بخواهد که او از رییس کل بانک مرکزی بخواهد تا نرخ تورم را کاهش دهد. این اقدامات، اقدامات حمایتی هستند و در راستای دفاع از حقوق شهروندان می‌باشند. این که دولت وارد شود که باید این کار بشود و آن کار نشود، بسیار سطحی و ناشیانه و عوام‌فریبانه است و ضربه‌های شدیدی را به اقتصاد کشور خواهد زد. این را علم به ما نشان می‌دهد و اقتصاد هم علم است و مسایل اقتصادی کشور باید توسط متخصصان و کارشناسان مربوطه حل شود. بانک مرکزی هم به اندازه کافی کارشناس و متخصص برای انجام رسالت و وظیفه خود دارد و از این بابت با کمبود مواجه نیست. اما موضوع اینجاست که الان در استفاده از نیروهای متخصص و کارشناس خبره محدودیت وجود دارد. در کشور ما بانک مرکزی یک نهاد کاملاً دولتی شده است، بنابراین، اتخاذ تصمیمات این نهاد نیز

کاملاً دولتی و در راستای تامین و تسهیل منافع دولت است. دولت که با کسر بودجه مواجه می‌شود، به بانک مرکزی دستور می‌دهد که فلان مقدار کسری بودجه دولت را تامین کند و بانک مرکزی هم در نهایت تعظیم و احترام بدون مخالفت اطاعت امر می‌کند، در حالی که در بانک‌های مرکزی مستقل دنیا این وضعیت حاکم نیست، مثلاً رییس کل بانک مرکزی نیوزلاند اذعان می‌کند که: من وظیفه‌ام حفظ حقوق مردم است و مردم باید قدرت خریدشان ثابت باشد. بنابراین، اگر دولت با کمبود و کسری بودجه‌ای مواجه شده، باید قرض بگیرد، از خارج، از مردم، از سیستم بانکی یا حتی اقدام به فروش دارایی‌های خود نماید. در حال حاضر، پول دیگر طلا و نقره نیست، ولی کشورهای پیشرفته، مثل ایالات متحده و اتحادیه اروپا با آن عظمت اقتصادی توانسته‌اند انضباط مالی را حفظ کنند و به همین علت تورم دو درصدی دارند. این برای اقتصاد و مردم آن جوامع بسیار زیباتر و خوشایندتر از آن است که در کارهای غیرمربوط دخالت کنند. دست چنین رییس بانک مرکزی‌ای را باید بوسید، چرا که تلاش او در جهت حفظ حقوق شهروندان است و از ابزارهای مختلف برای حفظ این حقوق استفاده می‌کند.

❖ / جناب دکتر، به تورم دودرصدی دیگران اشاره فرمودید و من به یاد موج تورمی وحشتناک خودمان افتادم. آیا به راستی برای این بحران راه‌حلی وجود دارد؟

□ بله، اما شرط دارد. اگر دولتی در راس کار باشد که وقتی در پایان سال با ۲۰ درصد کسری بودجه مواجه شد و نتوانست به پیش‌بینی‌هایی که در سمت درآمدهای بودجه شده، دست پیدا کند، به کرات از بانک مرکزی استقراض کند و وام بگیرد تا حقوق و عیدی و پاداش و سایر هزینه‌های بی‌حدواندازه دولتی خودش را تامین کند، مطمئناً این دولت نمی‌تواند در جهت حفظ حقوق مردم اقدام کند. دولتی که با کسری بودجه مواجه می‌شود، یعنی این که ولخرجی کرده و از درآمدهای خودش فراتر رفته و از جیب مردم هزینه‌های خود را تامین می‌کند. این، تعدی به حقوق مردم است.

دولت و بانک مرکزی و مجلس باید وفای و اراده ملی خود را جزم کنند تا دولت خود را جمع‌وجور کند و ابعاد خود را کوچکتر

■ ■ ■
اقتصاد علم است و مسایل اقتصادی باید توسط متخصصان مربوطه حل شود. بانک مرکزی هم به اندازه کافی کارشناس و متخصص دارد.

■ ■ ■
بانک مرکزی ما یک نهاد کاملاً دولتی شده و تصمیمات این نهاد نیز کاملاً دولتی و در راستای تامین و تسهیل منافع دولت است.

شوند. حتی ممکن است اضطراب‌هایی که پیش می‌آیند - چه واقعی و چه غیرواقعی - برای خارج کردن بانک‌های رقیب و حریف از میدان باشد. فقدان بیمه سپرده‌ها در بانک‌های خصوصی یکی از مسایلی است که بسیار نگران‌کننده است و خدا نکند که مشکلی برایشان رخ دهد.

با توجه به این که ما بیش از آنچه تصور کنیم، با رقبا و بعضی از قدرت‌های خارجی مساله داریم، بنابراین نیازی نداریم که آشوب‌های داخلی هم برای خود ایجاد کنیم. بنابراین، به نظر من مجلس شورای اسلامی باید تصمیم‌گیری پیرامون مسایل پولی و مالی را صرفاً به بانک مرکزی و شورای پول و اعتبار محول کند، مثل دیگر کشورها.

در خاتمه این بحث می‌خواهم نکته‌ای را یادآوری کنم: در صدر اسلام، اولین سالی که استقلال پولی نصیب حکومت اسلامی شد، سال ۹۵ هجری بود که عبدالملک مروان، خلیفه اسلامی، متقال شرعی را جاری کرد. او بود که به درهم و دینار وزن داد و یک کار دیگر هم کرد که باعث لعن و نفرین وی شد. او از وزن مسکوکات رایج مردم ۲۵ درصد کاست و بعد اوزان جدید را مطرح کرد.

چرا؟

چون زورش می‌رسید، بخشی از قدرت خرید مردم را ضبط کرد و برای دولت خود در اختیار گرفت. به طور کلی، دولت‌ها دوست دارند که خرج کنند و مالیات‌ستانی کنند، یا تورم ایجاد کنند و اموال مردم را در اختیار بگیرند که این به نوعی سوءاستفاده از حقوق ملت است. در کشور ما متأسفانه همه‌ساله برابر با نرخ تورم این سوءاستفاده صورت می‌پذیرد. بنابراین، دولت شدیداً بدهکار مردم است، دولت از طریق تورم به حقوق مردم تعدی می‌کند. اینجاست که ملت فدای دولت شده است، قربانی دولت شده است. دولت اگر بخواهد کاری کند که به نفع ملت باشد، باید جلوی اینگونه تعدی‌ها را بگیرد و نرخ تورم را به زیر دو درصد کاهش دهد.

آیا این کار شدنی است؟

البته که شدنی است، اما نیازمند تغییرات و اجرای مجموعه‌ای از سیاست‌هاست. بایستی قانونی بگذرانیم و در مجلس تصویب کنیم که دولت حق ندارد دلارهای نفتی را به بودجه خود وارد کند و یا دلارهای نفتی را در بانک مرکزی تبدیل به ریال کند و یا این که از نظام بانکی وام بگیرد. اینها کارهایی است که در حال حاضر انجام می‌شود و مشکلاتی را به طور مستمر برای اقتصاد کشور به همراه آورده است. آیا حاضریم این کار را بکنیم؟

از شما تشکر می‌کنیم که در این بحث با نشریه بانک و اقتصاد همراه شدید.

گفتگو از: اعظم هوشمند

کند و خودش را قانع و مجبور کند که انضباط مالی ویژه‌ای را برای هزینه‌های خود دنبال کند تا به شرایط مطلوب نزدیک شویم و از افزودن هزینه‌های جدید به بودجه دولت به‌شدت بپرهیزیم.

نقش بانک‌های دولتی در این ماجرا چیست؟

نظام بانکی در واقع فرمانبردار است و طبق دستورات بانک مرکزی عمل می‌کند. بانک‌های دولتی از خودشان اراده‌ای ندارند. بانک‌های تجاری ضمن پرداخت تسهیلات، در افزایش حجم پول شریک هستند. برایشان همه‌ساله سقف تسهیلات در نظر گرفته می‌شود و این افزایش سقف مسلماً در افزایش حجم پول نقش دارد.

وظیفه دولت در مقابل کسری بودجه و بانک مرکزی و پایه پولی و ترازنامه بانک مرکزی مطرح است. الان که دیگر پشتوانه وجود ندارد، پول چگونه افزایش پیدا می‌کند؟ از طریق افزایش دارایی‌های خارجی دولت که اکنون در حال افزایش است، یا گرفتن وام و استقراض دولت از بانک مرکزی که هر دو روی تورم و افزایش حجم پول اثر می‌گذارند. در این موارد مسوولیت بانک مرکزی و دولت بالاتر از مجلس و نظام بانکی است.

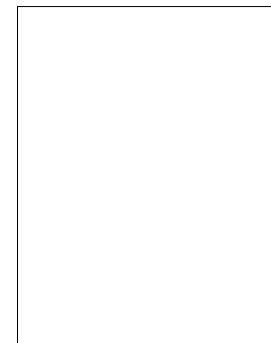
مجلس اکنون وارد مقولاتی شده که نباید به آن پرداخت که متأسفانه اثرات منفی ایجاد خواهد شد و در طی زمان اثرات مخرب و منفی خود را نشان خواهند داد.

دکتر کرباسیان: نرخ‌گذاری دولتی روی مال مردم، تعدی به مردم است.

آیا تحولات اخیر در نرخ سود ممکن است به

ورشکستگی یا بروز بحران برای بانک‌ها منجر شود؟
من تصور نمی‌کنم که به خاطر این نوع دخالت‌ها، شرایط ورشکستگی برای بانک‌ها رخ دهد. این دخالت‌ها اثرات بلندمدت ایجاد می‌کنند، ولی این که باعث ورشکستگی شوند، خیر. بله، تا ۹۵ درصد منابع پولی بانک‌ها متعلق به مردم است، یعنی بانک‌ها با پول مردم کار می‌کنند و اگر سپرده‌های مردم آنقدر کاهش پیدا کند که باعث ضرر و زیان بانک‌ها شود، یعنی روی درآمد و عملکرد بانک‌ها اثر منفی بگذارد، ممکن است که ورشکست شوند، ولی به این سادگی نیست، چون دولت در شرایط بحرانی اقدام به کمک به بانک‌های دولتی می‌کند، گرچه نرخ تورم هم افزایش پیدا کند.

البته بانک‌های خصوصی ممکن است با مشکلاتی مواجه



دولتی که با کسری بودجه مواجه می‌شود، یعنی ولخرجی کرده و از درآمدهای خودش فراتر رفته و از جیب مردم خرج کرده است.

فقدان بیمه سپرده‌ها در بانک‌های خصوصی یکی از مسایلی است که بسیار نگران‌کننده است.